

دو جهانی شدن ها و آینده‌ی جهان^۱

سعید رضا عاملی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران-گروه ارتباطات
ssameeli@ut.ac.ir

مقدمه:

شعارهای اصلی آینده‌گراها^۲ این است که «در آینده زندگی کن، به گونه‌ای که آن را همچون تاریخ بخوانی»^۳، «برای تغییرات آینده باید مهیا شد»^۴، «برای نقاط ایهام آینده باید طراحی کرد»^۵ و «تلاش نمود که ماورای چشم اندازهای آینده را به صورت شفاف رؤیت نمود»^۶. با این نگاه یکی از پیچیده‌ترین تخصص‌های دنیای معاصر، پیش‌بینی آینده است. این پیچیدگی، مربوط به توسعه‌ی متغیرهای تاثیرگذار بر جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. به همین دلیل پیش‌بینی روندهای آینده از خط‌پذیری بالایی برخوردار است. فرناندز آرمستو^۷ (۲۰۰۳) بعنوان یک تاریخ‌دان آینده‌گرا، اساساً معتقد به ضعیف بودن و غیرقابل اعتماد بودن علم و صنعت پیش‌بینی جهان آینده است. آینده‌گراها پیش‌بینی خود را بر تجربیات محدود آماری و مطالعاتی گذشته مبتنی می‌کنند، در حالیکه تجربیات محدود گذشته، ظرفیت پیش‌بینی‌های محدود را فراهم می‌کند. از نظر آرمستو، اگر کسی در صدد پیش‌بینی آینده دور باشد، لازم است تجربیات دور گذشته و در واقع سنت تاریخی گذشته را مطالعه کند تا از مسیر سنت‌های تاریخی گذشته، سنت‌های آینده تاریخ را به صورت دقیق‌تری منعکس کند.

همه حوزه‌های اساسی زندگی را در بر گرفته است، به دنبال آن نگاه به آینده با رویکردهای متفاوت شکل گرفته است. این مهم، نگاه به آینده را تبدیل به رشته‌های تخصصی کرده است که از طبیعت چند رشته‌ای^۸ و بین رشته‌ای^۹ برخوردار شده است. پری و هاردینگ^{۱۰} (۲۰۰۲) ساختار شهری آینده را از نگاه جامعه‌شناسی مورد بحث قرار داده‌اند. ابعاد اقتصادی آینده‌ی جهان و تحولاتی که در عرصه‌ی تجارت جهانی، بازار و مصرف در حال اتفاق است از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است (تامسون^{۱۱}، ۲۰۰۲، هیرست و تامسون^{۱۲}، ۲۰۰۲). گیل^{۱۳} (۲۰۰۲) برخورد بین جهانی شدن‌ها را که برخاسته از جهانی شدن از بالا و جهانی شدن‌های از پایین که در شکل‌بنیادگرایی، مردم‌گرایی^{۱۴} و جمعیت‌های نهضتی لیبرال بازتاب پیدا می‌کند، آینده‌گریز ناپذیر جهان دانسته است. از منظری دیگر مهمترین مسئله برای جهان آینده خصوصاً جهان توسعه یافته از بین رفتن جمعیت است. برای کشوری مثل آمریکا که مواجه با کاهش چشمگیر میزان باروری است، سالیانه نیم درصد جمعیت کم می‌شود، این به این معنا است که برای یک نسل (۶۰ساله)، ۳۰ درصد جمعیت کاهش پیدا خواهد کرد و این به معنای انقراض جدی یک نسل است (فوکویاما، ۲۰۰۳). در نهایت دیدگاه (گیدنز، ۲۰۰۳) به جهان آینده از منظر کنترل اجتماعی و یا جهان‌رها شده (گیدنز، ۱۹۹۹) محل تامل است.

مهمترین تحول در روند تاریخ گذشته، تغییرات بنیانی در «سرعت تغییرات» است. آرمستو بر همین مبنا تاکید می‌کند که تغییرات در جهان به گونه‌ای در حال رشد است که نسل ۲۱۰۰ و یا ۲۲۰۰ وقتی به زندگی ما در اوائل قرن بیستم نگاه می‌کنند، می‌گویند چه مردم غیر مدرن و کهنه‌گرایی بوده‌اند. همان‌نگاهی که به خرده‌فرهنگ‌هایی که در مناطق قطبی و یا جنگل‌های آمازون وجود دارد که آنها را مردمی می‌دانند که هیچ ارتباطی با جهان اطراف خود ندارند و طی هزار سال زندگی هیچ تغییر اساسی در زندگی آنها به وجود نیامده است. عرصه‌ی تغییرات

فهم دقیق‌تر تغییرات آینده جهان، نیازمند یک قلمرو نگاه می‌باشد که بر مبنای آن و در بستر آن به فهم این تحولات پرداخته شود. بر این مبنا نگارنده که در نوشتاری دیگر به تحلیل «دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب» (عاملی، ۱۳۸۲) پرداخته است، در بستر فضای دو جهانی شدن‌ها که حاکم بر روند امروز و آینده‌ی جهان خواهد بود، تغییرات اساسی آینده‌ی جهان را مورد مطالعه قرار داده است. انعکاس آینده‌ی جهان در دو فضای متفاوت، متمایز و در



عین حال مرتبط با یکدیگر و در واقع در «دو بستر جهانی شدن ها»، به نوعی ظرفیت های متمایز این روند را معرفی می کند. اساساً مهمترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می سازد، ظهور جهان جدیدی است که می توان آن را «جهان مجازی»^۵ نامید. این جهان در واقع به موازات و گاه مسلط بر «جهان واقعی»^۶ ترسیم می شود و عینیت واقعی پیدا می کند. دو جهانی شدن، ناظر به این دو جهان متفاوت است.

ادبیات، رمان و حوزه های سنتی و مدرن یوتویپایی (کومار^۷، ۲۰۰۳) و آرمان شهرهای فلسفه های قدیم همراه با قدرت خلاق هنرمندان، نقاشان در ترسیم جهان آینده، به نوعی زمینه های ظهور ذهنی «جهانی غیر از جهان شناخته شده» را که در آن زندگی می کنیم فراهم آورده است. نگاه خیالی و جادویی به جهان، انسانی را تصویر می کند که مسلط بر همه ی مخلوقات و همه ی هستی است و هر آنچه را که اراده کند تحقق می یابد. جهانی را معرفی می کند که حتی انسان با اراده ی ذهنی بر زمان و مکان مسلط می شود و همه ی کرات را در می نوردد، جهانی که یک فرد از انرژی خارق العاده بر خوردار می شود و در همه جا و بر همه جا مسلط می شود، همسایگی این جهان، کار و شغل در این جهان، تجارت و معاملات، تفریحات و سرگرمی ها و بسیاری از نظام های زندگی از نمودهای مجازی و در عین حال «واقعیت مجازی»^۸ است که برای این جهان پیش بینی می شود.

ظهور صنعت همزمان ارتباطات و رسانه های ارتباط جمعی که منشاء ظهور جهانی شدن به معنای امروزی آن شده است (گیدنز، ۱۹۹۹)، بستر گسترده تری برای تولیدات توده وار و جامعه توده وار فراهم آورده است و عالم خیالی و مجازی را تبدیل به یک «عینیت مجازی» و یا «واقعیت مجازی» نموده است. این تغییر ساختاری، عامل ظهور بسیاری از تحولات اساسی شده است و ناگزیر تغییر بنیادین آینده را نیز، در چهار چوب و ساختار جهانی شدن های مجازی و واقعی، فراهم آورده است و می تواند محل تامل و اندیشه قرار گیرد. پیوند گسست ناپذیر تکنولوژی و هنر (هایدگر و همکاران، ۱۳۷۷) فلسفه های جدیدی را، هم برای تکنولوژی و هم برای هنر و هم برای جهان واقعی و مجازی خلق کرده است که ابعاد معرفت شناسانه ی این تغییر را جنبه ی ابهام آمیزتری بخشیده است. با این نگاه در این نوشتار تلاش شده است که تغییرات آینده ی جهان در چند حوزه ی متناظر بر یکدیگر و در عین حال متمایز، مورد بررسی قرار گیرد. تغییرات تکنولوژیک، شالوده ی این تغییر را توضیح می دهد، در یک سطح بسیار مهم دیگر، جایگاه فرد و جامعه همراه با تامل در چگونگی وضعیت دولت ها در قالب دولت-ملت ها مورد مطالعه ی اجمالی قرار گرفته است. اقتصاد آینده، و جایگاه کار و شغل نیز در جهان آینده مورد بحث قرار گرفته است. پایان بخش این بحث، تحلیلی است بر پسا جهانی شدن، جنگ بدون جنگ و پارادوکس های معنایی که برون داد آن تمایل به صلح و عدالت خواهد بود. تمایلی که حاکم بر زندگی آینده ی بشر و منعکس کننده ی، روند معکوس جامعه ی انسانی است.

۱. تحولات تکنولوژیک در دو جهان آینده: مهندسی ژنتیک و کامپیوتری شدن فراگیر

تحولات تکنولوژیک مهمترین عامل شتاب گرفتن تغییرات، پیشرفت های علمی، اقتصادی و سیاسی و تغییر در تعاملات و روابط بین المللی و همچنین

**دوال روند سیاسی و اقتصادی جهان معاصر
و جهان آینده را**

**به سمت شکل گیری فنودالیتیه جدید می داند.
او رابطه ای معرفتی را بین لیبرالیسم و فنودالیسم
بر قرار می کند**

**و معتقد است نظام سیاسی آمریکا
از یک ساختار دموکراتیک واقعی برخوردار نیست،
بلکه به سمت**

**یک نظام خصوصی سیاسی نئولیبرال ایدئولوژیک
حرکت می کند**

که شباهت زیادی به نظام های فنودالیسم دارد



پیچیدگی روند ها و حرفه ای شدن و تخصصی شدن علم مطالعه‌ی آینده و همچنین خطرناکترین تهدید (گیدنز، ۲۰۰۳) برای جهان آینده محسوب شده است. در جهان واقعی، تصرفات ژنتیک همراه با تغییرات صنعت حمل و نقل دو تغییر مهم تلقی می شوند که جهان آینده را در بسیاری از عرصه ها متفاوت با جهان امروز قرار می دهد و بسیاری از اموری را که در گذشته نگاه خیالی و جادویی به جهان فرض می شده، تبدیل به عینیت و واقعیت خواهد کرد. تکنولوژی جهان مجازی، بر فراز «کامپیوتری شدن فراگیر» جهانی را با تغییرات بنیانی که می توان از آن تعبیر به «جهان تازه متولد شده» (مک بیت و وب، ۲۰۰۰) نمود ایجاد خواهد کرد.

۱.۱ آینده‌ی ارتباطات و مهندسی ژنتیک در جهان واقعی

تحول در صنعت حمل و نقل و ارتباطات، جهان واقعی را به جهان مجازی نزدیک می کند. فاصله ها را کوتاه می کند و به نوعی روند حرکت جمعیت را به صورت خارق العاده ای تسهیل می کند و انسان را نه بر فراز زمین (از طریق هواپیما های تندرو) بلکه «چسبیده به زمین» (به وسیله قطارهای تندرو) به صورت سریع و آسان حرکت می دهد. با این نگاه فریمن دایسون^{۲۰} (۲۰۰۳) به عنوان یک فیزیک دان، صد سال آینده‌ی جهان را به گونه متفاوتی ترسیم می کند. دایسون در مورد آینده جهان در پایان قرن بیستم پیش بینی می کند که هواپیما یک مفهوم منزوی شده خواهد شد و در واقع وسیله نقلیه‌ی تندرو مثل قطار همه قلمروهای قبلی هواپیما را در خواهد نوردید و جهان آینده را به مفهوم ارتباطات همزمان مانند تلفن نزدیک می کند، به گونه ای که به هر نقطه از جهان در کمتر از ۳ ساعت امکان سفر خواهد بود. قطارهای تندرو، راحت، ارزان و از محیطی به مراتب سالم تر از هواپیما برخوردار خواهند شد.

دایسون (۲۰۰۳) از تند شدن روند های تولید و بازدهی های فزاینده‌ی مصنوعی در جهان آینده سخن می گوید. او از درختان سیاه سخن می گوید که به مراتب از درختان سبز کارآمدی بیشتری دارند. درختان سیاه قدرت استفاده ۱۰ درصد نور خورشید جهت تبدیل آن به مواد شیمیایی خاص را دارند، این در حالی است که در ختان سبز فقط ۱٪ از نور خورشید را تبدیل به مواد شیمیایی می کنند. درختان سیاه از سیلکون بهره می گیرند و حال آنکه درختان سبز از کلروفیل استفاده می کنند. این در واقع حوزه مهندسی ژنتیک را توضیح می دهد و به این معنا نیست که درختان سبز از بین می روند، بلکه به این معناست که توسط مهندسی ژنتیک قدرت بهره برداری از انرژی زمین افزایش پیدا می کند. در واقع بخش کوچکی از چوب منشاء بهره دهی بسیار جدی خواهد شد. اساسا باید توجه داشت که جهانی شدن، بستر فراگیر و قدرتمندی را برای تکنولوژی بیولوژیک^{۲۱} بعنوان یک تکنولوژی مادر، که از قدرت تکثیر و مشابه سازی برخوردار است، فراهم آورده است که در پرتو آن مهندسی ژنتیک قلمرو جدیدی برای نظام بهره وری از ظرفیت های جامعه بشری را فراهم می آورد (نیوول^{۲۲}، ۲۰۰۳)، به همین دلیل است که «مهندسی بافت^{۲۳}» که به تکثیر اجزاء بدن انسان می پردازد، از مهمترین رشته های بیوتکنولوژی آینده محسوب می شود.

چار پنتیر^{۲۴} (۵۶۶۸: ۲۰۰۲) در مقاله‌ی خود از ابعاد سه گانه‌ی روندهای

خصیصه جنگ‌های مجازی آینده «جنگ بدون جنگ»

و «خشونت بدون خشونت» است.

روندهایی است که

از قدرت تخریب فراگیر برخوردار است

ولی مصدومین آن

در مواجهه های اولیه احساس جنگ نمی کنند.

این جنگی است که از ظاهری آرام، زیبا، دلربا برخوردار است

ولی به مرور فرد را از درون می پوساند

و پیوندهای فرد را

با سرزمین، فرهنگ، تاریخ و تمدن خود

کاهش می دهد

مولکولی، تولید و فرایندی در مهندسی شیمیایی بحث می کند، مهندسی که چهار هدف عمده را در آینده ی این علم دنبال می کند: (۱) افزایش قابلیت تولید و گزینش از طریق عملیات عقلانی که به واسطه ی تشدید و تامین روند های چند بعدی کنترل تامین می شود، (۲) طراحی ابزار جدیدی که بر اساس اصول علمی جدید و روش های تولید جدید، متکی است بر ابعاد سه گانه روندهای مولکولی، تولید و ابعاد فرایندی مهندسی شیمیایی، (۳) توسعه متدولوژی مهندسی شیمیایی برای تولید متمرکز مهندسی که قابلیت های بیشتری را در اختیار کاربران و مصرف کنندگان قرار می دهد، (۴) اعمال کاربری های مدل های چند بعدی شیمیایی کامپیوتر و متظاهر کردن آن در زندگی واقعی از طریق بروز جنبه های مولکولی به تولیدات فشرده محسوس و قابل رویت.

اگر چه امروز مهندسی ژنتیک بر قلمرو گیاهان و حیوانات مثل گوسفندها، گاوها و سایر حیوانات تسلط دارد، ولی این توانایی در حال توسعه و تسلط بر بسیاری از جنبه های عالم انسانی نیز هست (لی سیلور^{۲۵}، ۲۰۰۳). بسیاری مهندسی ژنتیک را خطر بزرگی برای جامعه ی انسانی می دانند که ممکن است به دستکاری های احتمالی در جنبه های جسمی و روانی انسانی و طبیعت و محیط زیست منجر شود (گیدنز، ۲۰۰۳)، ولی منافع جدی فراوانی نیز مانند کنترل سرطان و بیماری های علاج ناپذیر می تواند برای جامعه انسانی به ارمغان آورد. البته این صنعت بسیار گران است، بنابراین باز ممکن است بین کسانی که بر خوردار هستند و کسانی که از توانایی مالی لازم برخوردار نیستند، فاصله بسیار زیادی به وجود آید. پیرسون (۲۰۰۳) با تکیه بر همین نوع از تحولات علمی، می گوید، چند سال پیش من محاسبه کردم که تا سال ۲۰۲۰، ۹۸ درصد اجزاء بدن به صورت مجازی قابل ساخته شدن است، چشم مصنوعی، قلب کلیه، گوش و تنها عنصر مهمی که تا ۲۰۲۰ ممکن است ساخته نشود، مغز انسان است که احتمال می دهم بین ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۰ ساخته شود.

با بالا رفتن ظرفیت تولید هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی و کاهش نقش نیروی کار، جنبه ی دیگری که در این راستا اهمیت پیدا می کند، عوض شدن مفهوم کار و جایجایی در توزیع کار و شغل است. تحلیل جرمی ریفکین (۲۰۰۳) در این مورد جای تامل و توجه دارد. او در مورد انقلاب اول یعنی انقلاب کامپیوتر بر محور ژن و ژنتیک تاکید می کند و مثال های ملموسی را در حوزه دارویی ذکر می کند. بر مبنای این نگاه «تکثیر هویت های مشابه^{۲۶}» از طریق صنعت ژنتیک امکان پذیر می شود. به عنوان مثال یک گله دوازده تایی گوسفند می تواند تولید کننده مواد شیمیایی بالاتر از ظرفیت یک کارخانه چندین میلیون دلاری با صدها کارگر باشد. مثال دیگر وانیل است که از سه جزیره کوچک در شرق اقیانوس هند یعنی کامرون، ماداگاسکار و رونیون به دست می آید و توسط صدها هزار کارگر کاشت و تولید می شود. چند سال پیش دو شرکت بیوتکنولوژی موفق شدند کد ژن یک وانیل را کشف کنند و با این اتفاق وانیلی طبیعی با حجم بسیار بالا بدون، دانه، کشت، زمین کشاورزی، کشاورز و نگهداری های لازم تامین شد. این تولید در واقع، نوعی «کاشت بافت داخلی^{۲۷}» است که امکان تکثیر مغز و مایع اصلی بسیاری از تولیدات کشاورزی را فراهم می کند. باز تاب منفی این روند، بیکار شدن و یا کم کار شدن دو و نیم میلیارد جمعیت جهان که درگیر کار کشاورزی اند، می تواند باشد.

۲.۱ آینده ی جهان مجازی و کامپیوتری شدن فراگیر^{۲۸}

آینده جهان به نوعی مرتبط با آینده ی ارتباطات در جهان و آینده ی جهان مجازی خواهد بود. قوی شدن جهان مجازی و جایجا کردن بسیاری از ظرفیت های جهان واقعی به جهان مجازی «فضای جدیدی» را به وجود آورده است. توسعه ی عضویت در این جهان جدید نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. امروز نزدیک به ۳۵۰ میلیون نفر از مردم جهان از اینترنت استفاده می کنند و پیش بینی می شود در سال ۲۰۰۵ از مرز یک میلیارد نفر بگذرد و نزدیک به ۲۵۰ میلیارد دلار معاملات تجاری از طریق اینترنت انجام می شود (آمور، ۱۱: ۲۰۰۲). کامپیوتر در پنجاه سال گذشته به صورت بنیانی دستخوش تغییرات اساسی بوده است. در گذشته کامپیوتر های بزرگ یک پدیده تخصصی بودند که برای کار کردن با آن افراد آموزش می دیدند تا برای برنامه های خاصی برای اهداف حرفه ای و تخصصی از کامپیوتر استفاده کنند. امروزه کامپیوتر تبدیل به یک ابزار ارتباطی برای امور متنوعی استفاده می شود و استفاده از آن مستلزم دانش تخصصی نیست (آمور، ۲۲۵: ۲۰۰۲)، بلکه بخشی از سواد عمومی جامعه محسوب می شود. این روند ظهور فضای «کامپیوتر شدن فراگیر» را فراهم آورده است.

مردم صد سال دیگر در ۲۱۰۰،

وقتی به گذشته نگاه می کنند،

می گویند سال ۲۰۰۰،

تاریخ جالبی داشته به دلیل تنوع گسترده اجتماعی،

فرهنگی و اخلاقی

که در میان مردم رواج داشته است

جهت گیری های گسترده

و فراگیر ظرفیت های جهان مجازی،

علائم جدی از غلبه جهان مجازی بر جهان واقعی را

به نمایش می گذارد.

مهم ترین عاملی که منشاء اقتدار جهان مجازی می شود،

گم شدن عامل زمان و مکان

و به تبع، تسهیل در دسترسی به منابع تمدنی است

دانیل آمور (۲۰۰۲) با نگاه به آینده اینترنت به تحلیل « کامپیوتری شدن فراگیر» می پردازد. اگر چه ایده کامپیوتری شدن فراگیر اشاره به توسعه ارتباطات مجازی از طریق تکنولوژی « غیر کامپیوتر های فردی» دارد ولی از نظر آمور (۲۰۰۲) این ایده باعث تضعیف کامپیوتر های فردی نمی شود، بلکه نوعی توسعه در ارتباط کامپیوتری بوجود می آورد و دسترسی به اینترنت را از طریق تلفن های موبایل، تلویزیون و یا حتی یخچال فراهم می آورد.

این مفهوم بر خلاف «واقعیت مجازی» اشاره به یک واقعیت عینی دارد، واقعیتی که موجب آمدن کامپیوتر به همه جوانب و عناصر زندگی می شود. نظام زندگی مبتنی بر کامپیوتر فراگیر، اشاره به محیط ارتباطی دارد که کامپیوتر مثل ذرات چوب در همه عناصر و ساختار زندگی، تفریح، سرگرمی ها و کار و شغل فرو می رود به گونه که استفاده از آن بخشی از روندهای معمول، طبیعی و خود به خودی زندگی می شود.

کامپیوتری شدن فراگیر، مفهومی است که اشاره به محیطی دارد که انواعی از دیوایس ها حامل اطلاعات می شوند و حامل ارتباط کاربرها، با انواع مختلفی از شبکه ها می شوند (آمور، ۲۰۰۲). در سال ۱۹۹۶ ریک بلوزو^{۲۹}، مدیر عامل هیوولت پاکارد^{۳۰} در سخنرانی خود مقایسه ای داشت بین «کامپیوتری شدن فراگیر» با الکتریسته و معتقد بود این مرحله ای خواهد بود که ارتباط کامپیوتری فراگیر مفروض گرفته می شود، این فراگیری مثل جریان الکتریسته در سراسر زندگی توسعه پیدا می کند. این دوره ای است که نبودن ارتباط کامپیوتر مثل نبودن برق توجه را جلب می کند ولی بودن آن امری طبیعی است. مفهوم کامپیوتری شدن فراگیر را، اولین بار مارک ویزر^{۳۱} در سال ۱۹۸۸ مطرح کرد. ۳۲

محدودیت های ارتباط با شبکه اینترنت بسیار زیاد است. اساسا فرد باید در مقابل صفحه کامپیوتر قرار بگیرد و یک ارتباطات انسان با تکنولوژی به صورت فرد به فرد برقرار شود ولی در صنعت کامپیوتری فراگیر، فرد هر زمان که بخواهد در هر کجا که قرار داشته باشد این ارتباط برقرار می شود. در واقع دیوایس های ارتباطی در فضا معلق و توزیع شده اند. به عبارت دیگر، ارتباط اینترنتی امروز از طریق یک دیوایس انجام می شود و لی نسل های آینده ارتباطات مبتنی بر دیوایس های مختلفی است که لزوما کاربران از قابلیت های آن اطلاع ندارند، بلکه یک نوع قابلیت اضافه شده به فضای ارتباطی است که فرد به صورت طبیعی از آن بهره می گیرد و وجود آن را مثل وجود الکتریسته مفروض می گیرد (آمور، ۲۰۰۲: ۱۷). این در واقع بعد جدیدی را، به ابعاد زندگی انسانی اضافه می کند.

روند جدید، به سمت ارتباط اینترنت بدون سیم پیش می رود. بخش مهمی از زمان استفاده از فضای اینترنتی مربوط به وصل شدن سیم و ارتباطات اولیه است، لذا روند جدید به سمت نوعی ارتباط دائمی مستقیم بدون سیم پیش می رود. این ارتباط یا از سیستم ماهواره ای بهره می گیرد و یا از سیستم سلولار^{۳۲} (آمور، ۲۰۰۲: ۲۱، ۲۰۰۲: ۵، ۳). جهان ارتباطی بی سیم، جهان مجازی را به سمت واقعی شدن بیشتر نزدیک می کند و به نوعی عرصه گستره سلطه جهان مجازی بر جهان واقعی را به صورت جدی تر تامین می کند.



بازتاب تکنولوژی فراگیر کامپیوتر در روابط انسانی و ظهور نوع جدیدی از ارتباطات از طریق تبادل فکر و گفتگو از طریق فکر نیز به عنوان «ارتباطات آینده»^{۳۳} مورد توجه قرار گرفته است. یان پیرسون^{۳۴} (۲۰۰۳) در پاسخ به این سؤال که آیا در جهان آینده امکان دسترسی به فکر و اندیشه دیگری وجود دارد؟ می گوید: بدون تامل می توان گفت، چون فکر انسان به ماشین وصل می شود و آن ماشین به یک شبکه متصل می شود و آن شبکه مجموعه ارتباطات اجتماعی را در بر می گیرد، پس دسترسی به فکر افراد از این طریق تامین می شود و در واقع نوعی تله پاتی فکری برقرار می شود. پیرسون معتقد است کامپیوترهای نسل آینده بر اساس روندی که دیده می شود، دارای احساس و هیجانات احساسی خواهند بود. کامپیوترها ی آینده همچنین باید از یک شخصیت ارگانیک برخوردار باشند. از نظر پیرسون حرف زدن با کامپیوتر یک امر کاملا طبیعی خواهد بود. با چهره پیدا کردن کامپیوتر های نسل آینده، وقتی انسان با کامپیوتر سخن می گوید، واقعا فکر می کند که با یک انسان سخن می گوید. و در نهایت با واقعیت مجازی، فرد نمی داند، آیا واقعا با کامپیوتر سخن می گوید یا با یک انسان، آیا این کامپیوتر انسان نما مرد است یا زن، چاق است یا لاغر، زیبا یا زشت، مسن است یا کم سن و سال و در واقع این نوع خصوصیات اساسا برای کاربران اهمیت ندارد.

کون واریک^{۳۷} (۲۰۰۳) استاد مطالعات مجازی، معتقد است جهان در سال ۲۱۰۰ به مقطعی وارد می شود که مردم تنها با علائم ذهنی یا یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و جهان ارتباطات منهای تلفن و وسایل ارتباطی سنتی، به یکدیگر مرتبط می شود. در جهانی که ماشین از قدرت ذهنی و عقلی بیشتر برخوردار است، انسان با غلبه ماشین مواجه خواهد بود. در واقع همان رفتار را که ما با حیوانات داریم، ماشین به عنوان عقل برتر با جامعه انسانی خواهد داشت. بدون تردید، جهان آینده، جهانی خواهد بود که افراد به جای سخن گفتن با یکدیگر یا یکدیگر فکر می کنند و در واقع نوعی تلهپاتی بین افراد برقرار می شود. در واقع، شبکه اعصاب افراد مغز آنها را توسط کامپیوتر حتی توسط اینترنت به یکدیگر متصل می کند. این اتفاق مفهوم انسان را که انسان ناطق به معنای سخن گو می دانستند عوض می کند و اساساً، عنصری جدید را وارد حوزه ارتباطات غیر کلامی که ناظر بر بیان چهره ای، وضعیت نمادی، رقص، تئاتر، موسیقی و پانتومیم و بسیار دیگر از عناصر غیر کلامی بود، می کند (محسنیان راد، ۲۴۳: ۱۳۸۰).

تصمیم ماشین های تیز هوش در آینده، زندگی بسیاری از انسانهای بیگانه را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. ممکن است مردم یک شهر از بین بروند و یا جمعیت زیادی از مردم کشته شوند، و این اقدام نه به دلیل تصمیم انسان و یا انسانها تحقق پیدا می کند، بلکه به دلیل تصمیم ماشین تیز هوش اتفاق می افتد. این اتفاق یک نقطه عطف در تاریخ زندگی بشر محسوب می شود. البته تاریخ آینده شاهد اعتراضات جدی علیه ماشین های تیز هوش، خواهد بود ولی باید دید آیا این اعتراضات از قدرت بازدارنده برخوردار خواهند بود یا خیر. ادعا می شود که در ژاپن روایات هایی هست که از قدرت فکر «گره»

برخوردار است، می توان پیش بینی کرد که در چند دهه می آینده روایات های درست شود که از قدرت مغز انسان با گستردگی زیاد برخوردار باشند (واریک، ۲۰۰۳).

۲. فرد و جامعه ی آینده در جهان واقعی و جهان مجازی

شکل گیری جهان موزی، در کنار جهان واقعی، رفتار فرد و جامعه و روابط اجتماعی را به صورت بنیادین عوض کرده است. اگر چه تأثیرات نمادهای رسانه بر فرد و جامعه یکسان نیست (اولسون، ۱۳۷۷) و هریک از رسانه ها از زبان و ادبیات خاصی برخوردارند و بطور طبیعی حفره و خلاء های بسیاری تولیدات آنها را احاطه کرده است، ولی پرونداد کلی آنها رفتار سازی و جهت دهی است. دیرلیک^{۳۸} (۲۰۰۲) از نگاه روابط استعماری بین المللی به آینده جهان و هویت توجه کرده است. او معتقد است جهان آینده جهان گسترش هویت های دورگه است. از نظر او احیاء دوباره ملی گرایی در عصر جهانی شدن و تجزیه هویت ها، به نوعی توسعه روند استعماری جدید است. از نظر این نویسنده اساساً همه هویت ها محصول روندهای استعماری هستند و در واقع نوعی رابطه معرفتی بین اندیشه سرمایه داری، نگاه استعماری و دو رگه شدن و شکل گیری ملی گرایی برقرار می کند. این نگاه، هویتی شدن جامعه را نوعی محدودیت و محصور شدن تلقی می کند و حال آنکه در جهان تک هویتی و تک شناسنامه ای، تنها راه حیات فرد و جامعه در یک فضای نسبتاً بومی احیای اندیشه هویت گرایی است. نگاه استعماری نیز اگر بر نگاه ملی تأکید می کند، ملی گرایی را مشروعیت می بخشد که همراه با تمایلات لیبرالیسم باشد و الا به همان میزان که اندیشه های دین گرایی مورد چالش است، نگاه ملی گرایی که منشاء انسجام بومی در مقابل سلطه استعماری است، مورد نقد می باشد.

۲.۲ شکل گیری همزیستی های جدید خارج از فضای ملی

ورود به جهان مجازی، باعث به وجود آمدن روندهای جدیدی شده است که به عنوان «شهروندی جایگزین»، «فرهنگ جایگزین» و «همزیستی جدید» می تواند مطرح شود. این روند موجب «جداشدن فرد» از جامعه بومی در جهان واقعی و پیوستن آن به «جامعه مورد علاقه» که عامل آن تعلقات حرفه ای، علمی، فرهنگی، ارزشی، زبانی، دینی و نژادی می تواند باشد، خواهد شد. لذا پیش بینی می شود مفهوم «ملت بدون دولت» در عرصه جهان مجازی به عنوان یک اتفاق جدی، به وقوع بپیوندد. دیدگاه آنتونی گیدنز (۲۰۰۱) در خصوص توسعه فردگرایی به مفهوم جدید آن در این راستا قابل تأمل است. او معتقد است، جهانی شدن منشاء شکل گیری فردیت و فردگرایی جدیدی شده است. این فرد گرایی، فردیتی است که از هر نوع تعلق هنجاری رها شده است و هنجارهای ارزشی نژادی، ملی، دینی و فرهنگی، عامل و محرک رفتار و تمایلات ارزشی، برای فرد محسوب نمی شود. جامعه جدید شاهد رفتارهای فردی نسل جوان است که مخالف همه هنجارهای گذشته است و فرد احساس شرمندگی از رفتار خود ندارد. با توسعه این روند، قدرت فرد نسبت به قدرت فرهنگ، قوی تر می شود. این زمینه منشاء ظهور همزیستی های جدید، خارج از حوزه های بومی و ملی، در جهان آینده خواهد شد. قوت گرفتن فردیت بر خلاف نظر لودویک

در مورد آینده جهان در پایان قرن بیستم

پیش بینی می کند که

هواپیما یک مفهوم منزوی شده خواهد شد

و در واقع وسیله نقلیه ی تندرو مثل قطار

همه قلمروهای قبلی هواپیما را در خواهد نوردید

و جهان آینده را به مفهوم ارتباطات همزمان

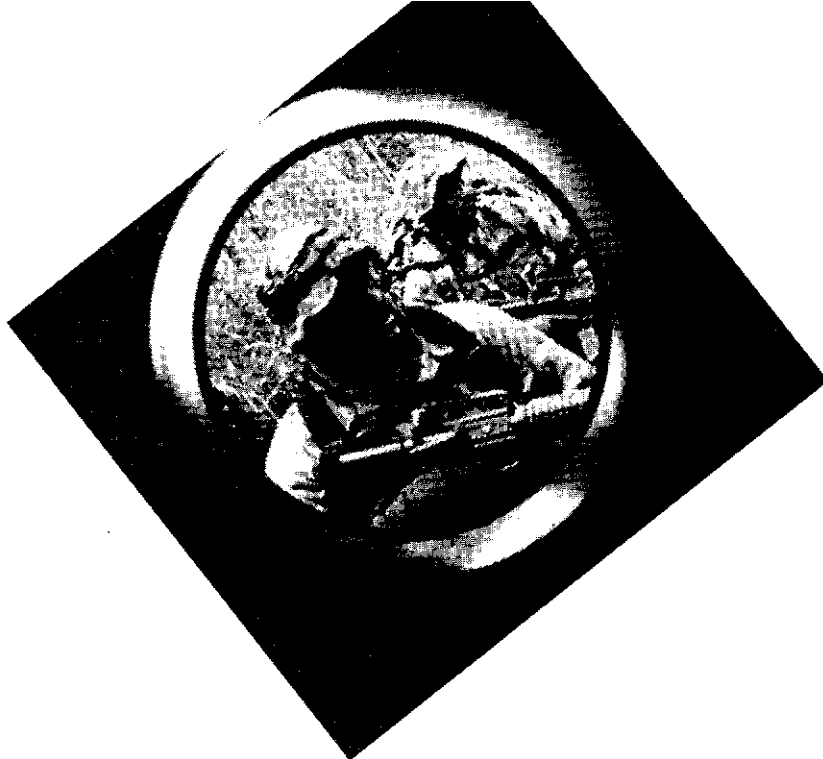
مانند تلفن نزدیک می کند،

به گونه ای که

به هر نقطه از جهان در کمتر از ۳ ساعت

امکان سفر خواهد بود

یکی از خطرات نظامی آینده،
 سلاح ژنتیکی است
 که ممکن است ویروسی را بسازد که
 به مردم حمله کند،
 ویروسی که ممکن است
 موجب تغییر در فیزیک بدن
 و شخصیت افراد شود
 که موجب ناهنجاری
 در رنگ مو، قد،
 و اجزاء دیگر بدن شود



۳. دو جهانی شدن و آینده‌ی سیاسی و امنیتی جهان

اگرچه ذات تکنولوژی خنثی است، نه بد است و نه خوب، ولی تکنولوژی همواره بر عرصه سیاست اثر گذار بوده و چه بسا معلول عزم های سیاسی و نظامی بوده است. بسیاری از اختراعات برای مقاصد سیاسی استفاده شده است. درست مثل بمب اتمی سایر تکنولوژی ها حتی تکنولوژی های ارتباطی برای مقاصد سیاسی اختراع و استفاده شده است (آمر، ۲۲۹: ۲۰۰۲). انتقال سیاست و امنیت از جغرافیای ژئوپولیتیک قدیم به عرصه جهان مجازی نیز می تواند نتیجه عزم های سیاسی باشد و یا بازتاب هایی را در آینده بر عرصه سیاست داشته باشد. بر همین مبنا امنیت ملی و جهانی و در کنار آنها جنگ و صلح، خشونت و ترور، افراطی گری و بنیاد گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم و اساسا حکومت واقعی و مجازی معنای جدیدی پیدا کرده اند.

مسئله‌ی سلطه و جهان آینده همچنان مهمترین بحث برای آینده‌ی سیاست در جهان است. دوال^{۳۱} (۲۰۰۳) روند سیاسی و اقتصادی جهان معاصر و جهان آینده را به سمت شکل گیری فتودالیهته جدید می داند. او رابطه ای معرفتی را بین لیبرالیسم و فتودالیسم بر قرار می کند و معتقد است نظام سیاسی آمریکا از یک ساختار دموکراتیک واقعی برخوردار نیست، بلکه به سمت یک نظام خصوصی سیاسی نئولیبرال ایدئولوژیک حرکت می کند که شباهت زیادی به نظام های فتودالیسم دارد. در نظام های فتودالیسم، منافع گروه کوچکی، به قیمت زیر پا گذاشتن منصحت جمعیت های بزرگ مورد توجه قرار می گیرد. از طرفی با فراگیر شدن مدل نظام سیاسی-اقتصادی آمریکا، جهان آینده به سمت ضعیف شدن دموکراسی و احیاء دوباره فتودالیسم، منتهی در شکل فراگیرتر پیش خواهد رفت.

فرانسیس فوکویاما^{۳۲} (۲۰۰۳) در گفتگویی در خصوص پیش بینی آینده سیاسی جهان، در پاسخ به اینکه آیا دولت ملت ها در ۲۱۰۰ باقی خواهند ماند؟ می گوید: اینکه دولت ملت ها در چند قرن آینده به حیات خود ادامه خواهند داد، امری اجتناب ناپذیر است. به این دلیل که حفاظت از حقوق فردی جامعه و حقوق مالکیت و اساسا موثر شدن نقش قانون در زندگی، تنها از طریق دولت - ملت ها تامین می شود. البته دولت های آینده به مراتب بین المللی تر از گذشته

گمپلویج که همه تنازعات را در قالب گروه جستجو می کند، منشاء تنازعات جدید فرد نیز می تواند باشد (به نقل از توسلی، ۱۰۱: ۱۳۶۹). این تنازعات حوزه های تضاد را تنوع و توسعه بیشتری خواهد بخشید و در دهه های آینده مواجه خواهیم بود با انواع گسترده تکرر های اعتقادی، ارزشی، علمی، رفتاری و ...

آیا تغییرات جدید به معنای از بین رفتن حس هویت فرهنگی در آینده است؟ به نظر می رسد هویت فرهنگی امر پیچیده و در عین حال دارای لایه های مختلف و ابعاد متفاوت شده است. بله افراد دارای دین، همسایه و ملیت در قالب دولت-ملت هستند ولی در عین حال متعلق به یک حرفه و جامعه شغلی و حرفه ای و یا گروه و سازمان غیردولتی نیز هستند، و یا فعالیت های داوطلبانه در قالب گروه های اجتماعی مثل محیط زیست گراها، گروه های کمک به بیماران کلیوی و یا بیماران سرطانی و بسیاری دیگر از فعالیت های حرفه ای، ملی، خیریه و ارزشی نیز مشارکت دارند. همه این امور می تواند به نوعی اجزاء هویت فرد را نیز تحت تاثیر قرار دهد. استمرار یک فرهنگ و قدرت و قوت فرهنگ امری مطلق نیست بلکه پدیده ای نسبی است که تابع متغیرهای متنوع می باشد (عاملی^{۳۳}، ۲۰۰۲). اگر به هر دلیل فرد به جامعه و فرهنگ خود عشق بورزد، در مواجهه با فرهنگ ها و اندیشه های دیگر، نه تنها تعلق بومی فرد کاهش پیدا نمی کند، بلکه حس عمیق تری همراه با عمیق شدن حس ناستالژی نسبت به فرهنگ ملی، شکوفا خواهد شد.

قوی شدن فردیت، «روندهای معکوسی^{۳۴}» را مقابل همه روندهای گذشته تاریخ بوجود خواهد آورد. ظهور انقلاب اسلامی ایران در دل نظام سیاسی سکولار پهلوی و یا پیروزی اسلام گراها در دوران حاکمیت حکومت لاییک ترکیه و اساسا ظهور دین گرایی در بسیاری از جوامع، در دوران گسترش سکولاریسم و برعکس ظهور تمایلات سکولار در جوامع دینی، ظهور کالتهای اجتماعی و رفتار های استثنایی نسل جوان نمونه هایی از روندهای معکوس است، که در دوران معاصر اتفاق می افتد. روندهای معکوس هم، بیانگر قوی شدن فرد و غلبه هنجارهای فردی بر هنجارهای اجتماعی و عادات فراگیر اجتماعی است و هم بیانگر متکثر شدن و متنوع شدن مواجهه فرهنگی، ارزشی و سیاسی جدید است. این تکرر فرهنگی بطور قطع ارتباط معنای داری با گسترش «ارتباطات انسانی» دارد که سهم قابل توجه آن مرتبط با عضویت های جدید در «جهان مجازی» است.

خواهند بود ولی این به معنای شکل‌گیری دولت جهانی نیست. در واقع بعضی از اختیارات دولت - ملت‌ها به منابع قدرت بالا دستی مثل سازمان تجارت جهانی، سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی که زمینه‌های مشارکت گسترده‌تر جهانی را فراهم می‌آورند منتقل می‌شوند و بعضی از این اختیارات به منابع قدرت پایین دستی مثل سازمان‌های غیردولتی بومی واگذار می‌شود. این روند احیاء یک نوع «قرون وسطی» است که پادشاه محلی وجود نداشت و قدرت در انحصار امپراطور و یا پاپ بود. در این راستا مسئله جنگ و صلح که معلول عزم دولت‌هاست از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۱.۳ آینده‌ی جهان و جنگ

جنگ و صلح همچنان به عنوان مهمترین عرصه‌ی قدرت دولت در آینده جهان واقعی مطرح خواهد بود. بر خلاف نظر فوکویاما (۲۰۰۳) که جهان آینده را جهان صلح آمیز می‌داند، اگر این اصل موضوعی پذیرفته شده باشد که جهان آینده بر مبنای جهان گذشته قابل پیش‌بینی است، با توجه به مخرب‌تر شدن عوامل و تکنولوژی جنگ و کشتار جمعی، سیر صعودی جنگ، مسیر اجتناب ناپذیر روندهای آینده است. فوکویاما بر مبنای نظریه خود یعنی پایان نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراسی، معتقد است رفتار صلح آمیز بر مبنای رفتار لیبرال دموکراتیک در جهان حکم فرما خواهد شد و اگر جنگی هم وجود داشته باشد، در میان مراکز قدرت نظام‌های لیبرال دموکراسی به‌وجود خواهد آمد.

جنگ همواره ارتباط معرفتی و ذهنی با قدرت داشته است. بر خلاف دیدگاه‌های «چند محورانه»^{۲۲} که منشاء صلح و آرامش بوده‌اند، اندیشه‌های «تک محورانه»^{۲۳} و سلطه آمیز همواره منشاء جنگ و ستیزهای فراگیر بوده

اند. بر همین مبنا نگاه تک محورانه به سیاست، اقتصاد و فرهنگ و همچنین نگاه تک محورانه و «کل‌گرایانه»^{۲۴} به دین نیز، منشاء بسیاری از «جنگ‌های بزرگ»^{۲۵} (گیدنز، ۱۹۸۹) در تاریخ گذشته بوده است. در تاریخ معاصر، نگاه «اروپا محورانه»^{۲۶} و با نگاهی به تاریخ نزدیکتر ما خصوصاً بعد از پایان جنگ سرد، شرایط و ظرفیت «تک محوری» را همراه با نوع فراگیر «آمریکای گرایی»^{۲۷} همراه کرده است. این نگاه عامل ریشه‌ای ظهور جنگ‌های مهم در جامعه امروز است و روند‌های نگران‌کننده‌ای را برای آینده امنیت جهان به دنبال آورده است. دیدگاه‌هایی اقتصادی والرش‌تاین^{۲۸} (۱۹۸۴) که جنگ را عامل تکامل و رشد نظام‌های سرمایه‌داری می‌داند به نوعی منعکس‌کننده انگیزه‌های جنگ نیز هست.

جیمز استوکس (۳۱: ۱۹۴۵) می‌گوید: جنگ‌های قدیم از لحاظ جنگ آوران و قلمرو جنگ بسیار محدود بود، بعنوان مثال جنگ ۱۸۱۲ آمریکا ۱۷۰۰۰ سرباز را درگیر کرده بود، جنگ با مکزیک ۴۴۰۰ نفر و جنگ با اسپانیا ۱۸۷۰۰ و کل محدوده درگیر با جنگ چند هکتار زمین بیشتر نبود. مردم ممکن بود بعزت گرسنگی و یا مالیات در آن دوران به سختی بیفتند ولی سختی‌های آن محدود و کم بود. البته جنگ سخت بود ولی مردم معمولی و ملیت‌های که درگیر جنگ نبودند صدمه جدی نداشتند. اما جنگ امروز همه مردم، همه مکان‌ها، همه دیدگاه‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. جنگ مدرن بر اساس قانون، همه مردم را اعم از مرد و زن و حتی بچه‌ها را مسئول می‌داند. سربازان رسمی به جای هزاران نفر میلیون‌ها نفر شده‌اند. فقط در جنگ جهانی دوم ۶۵۰۰۰۰۰ نفر درگیر جنگ شدند و فجایع تاریخی بسیاری اسف‌انگیزی را به وجود آوردند. جنگ در قرن بیستم نزدیک به صد میلیون کشته بجای گذاشت که ۲۲ برابر کشتگان قرن هجدهم و ۱۲ برابر کشتگان قرن نوزدهم بودند (گیدنز، ۱۹۸۹).

در نیمه قرن بیست و یکم فقط ۵ درصد جمعیت جهان

نیازمند کار به معنای سنتی آن

که عبارت از کار کشاورزی،

کارخانه‌ای و یا خدمات صنعتی است،

خواهند بود

ظرفیت‌های مخالف با اندیشه‌ی جنگ در جهان،

به صورت انفجاری رو به گسترش است

و این واقعیت معلول افزایش آگاهی بشر

و کاهش عصیبت‌ها و توسعه دید

و نظر جامعه‌ی انسانی است



در جنگ جهانی اول، آمریکا ۱۶ درصد نیروهای واجد شرایط را برای جنگ ثبت نام کرده، این در حالی بود که انگلیس ۳۸٪، فرانسه ۶۳٪ و آلمان ۸۲٪ را برای جنگ به کار گرفت. در آن دوران نیز آمریکا تشویق می شد که نیروهای بیشتری را آماده جنگ کند (توین بی و بیدول^{۵۰}؛ ۱۴۱: ۱۹۴۰). در جنگ مدرن نیروهای پشتیبانی و تدارکاتی چندین برابر نیروهایی است که به صورت مستقیم درگیر جنگ هستند. توین بی و بیدول می نویسند که در آلمان در گذشته برای هر سرباز درگیر با جنگ ۱۸ نفر کار می کردند و الان در جنگ صنعتی جدید ۴۵ نفر باید تولید کننده مواد نظامی و جنگی درگیر باشند تا جنگ با قوت ادامه پیدا کند. ۵۸ سال پیش استوکس از سیستم تلگراف و ارتباطی قدیم سخن می گفت ولی جنگ امروز، جنگ ارتباطی همزمان است و مکان و فضا در جنگ جدید بی معناست.

آینده گراهایی مثل یان پیرسون (۲۰۰۳) جنگ های آینده را متکی بر ابزار فشرده شده، کوچک و پیچیده امنیتی می دانند. تکنولوژی کوچک شده^{۵۱} ظرفیت های بسیار قدرتمند نظامی را که از قدرت گسترده تخریب و کشتار جمعی برخوردار است در یک قطعه بسیار کوچک متمرکز می کند. این قطعه بقدری کوچک است که در شرایط خاصی، حتی قابل رویت نیست. کانون اصلی انفجار جای دیگری است، اما مغز فرماندهی آن در ذره کوچکی قرار گرفته که ممکن است حتی کل بشریت را هدف قرار دهد. یکی از خطرات نظامی آینده، سلاح ژنتیکی است که ممکن است ویروس را بسازد که به مردم حمله کند، ویروس که ممکن است موجب تغییر در فیزیک بدن و شخصیت افراد شود که موجب ناهنجاری در رنگ مو، قد و اجزاء دیگر بدن شود. این در واقع به انحراف کشیدن تکنولوژی است و یکی از خطرناکترین اتفاقاتی است که در زندگی بشر در حال وقوع است. ارتش ژنتیکی از همه ارتش های گذشته خطرناکتر است و فضای جدیدی را برای جنگ منهای ادوات نظامی فراهم آورده است.

در گذشته، افراد با سلاح های شناخته شده ای رو در رو به جنگ یکدیگر می رفتند ولی جنگ آینده با ریختن یک قطره «جرم شیمیایی» در یک شهر، جمعیت بزرگی را گرفتار ویروس خطرناکی می کند. تکنولوژی کوچک حتی ممکن است، حشرات مصنوعی درست بکند که در اندازه ای کوچک ساخته می شوند و البته قابل کنترل از مسافت های بسیار دوراند. حشرات مصنوعی که ممکن است یک یا دوسانت طول بیشتر نداشته باشند. این حشرات از قدرت نفوذ گسترده و غیر قابل مشاهده برخوردارند که می توانند در خدمت سیستم های امنیتی مهم جهان قرار گیرند، می توانند ناقل یک ویروس باشند و می توانند منشاء تخریب گسترده صنعتی و حتی انسانی باشند. این امکان شرایطی را فراهم می کند که حتی ممکن است حشرات واقعی نیز به نوعی قابل کنترل شوند.

آینده جهان همراه خواهد بود با جنگ های بزرگتر و کشتگان بیشتر. این بدین خاطر است که جنگ به لحاظ ابزار و صنعت کشتار، از قدرت بیشتر و وسیعتری برخوردار خواهد بود. جنگ بخشی از طبیعت جامعه انسانی است، هیچ مقطعی از تاریخ گذشته بدون جنگ نبوده است و این روال در آینده نیز ادامه پیدا خواهد کرد. تاریخ نشان داده است که جنگ به سمت گسترده تر شدن پیش رفته است، از آنجا که تا کنون ظرفیت کامل سلاح های کشتار جمعی اتمی استفاده نشده است، این نگرانی هست که وجود چنین ابزارهایی، برای استفاده در زمان خاصی تارک دیده شده است. (فرناز آرمستو، استاد تاریخ،

۲۰۰۳، مصاحبه با بی بی سی).

آرمستو (۲۰۰۳) در پاسخ به این سؤال که چه کسانی به جنگ با یکدیگر درگیر خواهند شد؟ می گوید: دولت های به حاشیه رانده شده، راه دیگری برای مقابله جز جنگ ندارند لذا بخش مهمی از جنگ ها از ناحیه دولت های منزوی شده خواهد بود. او می گوید مردم صد سال دیگر در ۲۱۰۰، وقتی به گذشته نگاه می کنند، می گویند سال ۲۰۰۰، تاریخ جالبی داشته به دلیل تنوع گسترده اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی که در میان مردم رواج داشته است. در واقع جامعه گذشته لاپروااری از انسان های متفاوت را در خود داشته که به طرق مختلف توسعه پیدا کرده اند. از نظر او در ۲۱۰۰، حاشیه نشین ترین و منزوی ترین جوامع از کره زمین ناپدید خواهند شد و در واقع جوامع کوچک و اندیشه های منزوی به جمعیت و جریان های فکری و مرکزی جهان پیوند خواهند خورد.

همچنین اقلیت های نژادی، نیز به جنگ با یکدیگر مثل جنگ های مشابه در گذشته مشغول خواهند شد. دایسون، (۲۰۰۳) در پاسخ به این سؤال که چه چیزی مهمترین نگرانی آینده را تشکیل می دهد، آرمستو می گوید: مهمترین خطر، خطر سلاح های کشتار جمعی هسته ای است. امروز همچنان ۲۰۰۰۰ بمب اتمی در اطراف جهان وجود دارد. خطر شماره دو، خطر ظهور جامعه کاستی ناشی از بهره مندی و عدم بهره مندی از مهندسی ژنتیک است. در پرتو این توانایی، ثروتمندان از قدرت ساختن فرزندان خود طبق استانداردهای بالا برخوردار و فقیران از چنین امکانی بی بهره خواهند بود.

اگر چه نگرانی آرمستو، جای تامل دارد و ظرفیت سلاح های اتمی، توان تخریب کل کره زمین را دارد ولی به نظر می رسد، درگیری های نژادی و ملی و یا جنگ دولت های کوچک با دولت های بزرگ، در شرایطی امکان استمرار و توسعه دارد، که نقش مردم خنثی و یا بی تفاوت فرض شود، ولی واقعیت این است که ظرفیت های مخالف با اندیشه های جنگ در جهان، به صورت انفجاری رو به گسترش است و این واقعیت معلول افزایش آگاهی بشر و کاهش عصبیت ها و توسعه دید و نظر جامعه انسانی است. به نظر می رسد، اگر چه نگاه آرمستو، ممکن است منعکس کننده ظرفیت های علمی، نظامی و صنعتی جهان آینده باشد ولی ظرفیت های جامعه انسانی و مردم در مولفه های پیش بینی او، نادیده گرفته شده است.

۲.۳. ریشه های جنگ: ادیان و تمدن ها

جنگ بین مذاهب و تمدن ها نیز، از جنگ های شایع تاریخ گذشته و تاریخ آینده پیش بینی شده است که تحت عنوان «برخورد تمدن ها» در پایان قرن بیستم توسط هانتینگتون^{۵۲} (۱۹۹۶) دوباره مطرح شد. بعد از جنگ جهانی اول، بحث های تمدنی در دنیای غرب جایگاه ویژه ای پیدا کرد. متفکرینی چون اسوالد اسپنگلر^{۵۳} در آلمان، آرنولد توین بی^{۵۴} در بریتانیا و پیتریم سوروکین^{۵۵} و دیگران در آمریکا از ابعاد مختلف به بحث پیرامون تمدن ها پرداختند. بین سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۱، سوروکین که به دلیل مخالفت هایش با بولشویسم منزوی شده بود، موقعیت علمی را در دیارتمان جامعه شناسی دانشگاه هاروارد پیدا کرد و در آنجا به چاپ چهار جلد درمورد دینامیک های فرهنگی و اجتماعی اهتمام ورزید در این مجموعه

سوروکین به مطالعه بحران های جامعه غرب و فرهنگ ها و تمدن هایی که در ارتباط با فرهنگ غرب قرار می گرفتند پرداخت. بین سال های ۱۹۳۴ تا ۱۹۶۱ توین بی ۱۲ جلد کتاب وزین در مورد مطالعه تاریخ تدوین کرد و در آن ۲۳ تمدن مهم را شناسایی نمود (کوون ۵۶: ۳، ۲۰۰۱).

بر اساس تحلیل های تمدنی و دینی، مذهب هم در گذشته تاریخی و هم در زمان حاضر بخش مهمی از زندگی بشری تلقی شده اند و نقش آن به عنوان منبع قدرت و خشونت همچنان جدی تلقی شده است. اما تفاوتی که به نظر نگارنده جهان امروز را از جهان گذشته متمایز می کند، کم رنگ شدن «عصیبت دینی» و افزایش «عرصه گفتگوی بین جوامع دینی» از طریق جهان مجازی است. در واقع جهان مجازی، جهانی است که به طور نسبی از عرصه مردمی گسترده تری برخوردار است و دسترسی ها از قلمروی «انتخابی» بهتری برخوردار است. در همین مقاله توضیح داده خواهد شد که انسان امروز در مسیر رهیدن از هنجاری های حاکم بر جامعه است و عقلانیت فردی به صورت قابل توجه رو به قوت و تعمیق یافتن است. به همین دلیل اتفاقاتی که در «جهان واقعی معاصر» در جهت صلح دوستی و عدالت خواهی در جریان است، از تغییر در هنجارهای فردی و اجتماعی و رها شدن از عصیبت دینی و حتی عصیبت های نژادی و ملی حکایت می کند. مسئله حمایت عالم مسیحیت از مردم فلسطین و مخالفت جهان غرب با حمله آمریکا به عراق و همراهی عالم اسلام در مخالفت با جنگ نمونه های تاریخی است که نمایشگر، بعد جدیدی از مواجهه ادیان با یکدیگر است. علاوه بر این باید در نظر داشت که پیام ادیان خصوصاً ادیان مرکزی جهان مثل اسلام و مسیحیت: صلح، مهربانی، تسامح و تساهل است. انگیزه های ایدئولوژیک افراطی و عصیبت های حذف کننده و پیوند خوردن دین با نگاه جهان گشایی، منشاء جنگ های مذهبی گذشته بوده است که این نگاه در جهان امروز شدیداً رو به کاهش است.

حضور میلیونی مردم انگلیس در مخالفت با حمله آمریکا و انگلیس به عراق، بعد از جنگ جهانی دوم بی سابقه بوده است، این در شرایطی است که دولت انگلیس تنها هم پیمان آمریکا در حمله به عراق بود. گسترش این مخالفت در سایر کشورهای اروپایی مسیحی و چین، ژاپن، هند و دیگر نقاط جهان که هر کدام مرکزیت اندیشه تمدنی و دینی متفاوتی هستند، معرف آینده صلح گرایانه جهان در قلمرو مردمی و حوزه عمومی است. این روند، نشانگر این است که از یک طرف عصیبت دینی که منشاء جنگ های گذشته بوده است، رو به افول است و از طرفی دیگر بیانگر قوت گرفتن تمایل عدالت خواهانه است که هر دو تمایل مبتنی بر افزایش آگاهی و تجربه جامعه بشری است. با این نگاه اگر فرض هائیتنگتون را مبنی بر برخورد تمدن ها و جنگ بین ادیان بپذیریم باید عوامل آن را خارج از حوزه دین، دین داران و تمدن ها دنبال کنیم. بر این مبنا از نظر نگارنده جهان آینده جهان جنگ قدرت های سیاسی جهان است نه جنگ تمدن ها و ادیان. جنگ در جهان مدنی جدید نیازمند مشروعیت و مشارکت مردمی است. درگیر کردن مردم نیازمند برانگیختن هیجانان عمومی است و دین و عناصر ملی و تمدنی ریشه دار ترین، قوی ترین و گسترده ترین منبع و انرژی مواجهه، برخورد و در عین حال همکاری و همراهی بین ملت ها می تواند باشد و به همین دلیل ابزار مطامع دولت های بزرگ قرار می گیرد. علاوه بر این جنگ به معنای سازمان یافته و در شکل جنگ های بزرگه خصوصاً در دوره معاصر، جنگ های دولتی بوده تا جنگ هایی که به طور مستقیم و برخاسته از هیجانان مردمی شکل بگیرد. لذا پیش بینی آینده جنگ، مبتنی بر مطالعه ی ادیان و تمدن ها نیست، بلکه باید بر اساس سیاست های قدرت های بزرگ برآورد شود.

۴. کار و شغل، تجارت و اقتصاد در دو جهان آینده

در درجه ی اول باید توجه داشت که اقتصاد بومی، محلی و منطقه ای به سمت یک اقتصاد جهانی در حرکت است. این اقتصاد واقعا از یک چهارچوب به هم پیوسته جهانی برخوردار است. جامعه بشری سوار بر کشتی است که سرنشین های آن از یک سرنوست واحد برخوردارند. اگر در نقطه ای از جهان رفاهی فراهم شود بر شهروندان سایر نقاط دیگر جهان اثر می گذارد. جهان اقتصاد آینده، جهان تجارت و خدمات است. از سال ۱۹۴۵ به مرور شاهد رشدی در تجارت و کاهش کمی در تعرفه های بازرگانی بودیم که به نوعی بستر ارتباط فشرده تر اقتصاد جهانی را فراهم آورده است (تونی کلور، ۲۵۱: ۱۹۹۷). نکته مهم دیگر نسبت بین دو جهانی شدن و رفاه اجتماعی است. در اینجا دیدگاه های متفاوتی وجود دارد: نظریه پردازانی جهانی شدن را عامل توسعه فقر و افزایش فاصله فقیر و غنی می دانند (دلو^{۵۷}، ۲۰۰۲). در مقابل اقتصاد دانانی مثل جی مندل^{۵۸} (۲۰۰۳) معتقدند جهانی شدن منشاء تولیدات ارزان تر در جهان خواهد شد و در واقع جهان فقیر امکان مصرف ارزان تر و بهینه تر را پیدا خواهد کرد. از این منظر جهان مجازی، تسهیل کننده فرایندهای تولید، توزیع و خدمات خواهد بود.

نزدیک به ۶۰ سال پیش جیمز استوکس^{۵۹} (۱۴: ۱۹۴۵) استاد دانشگاه

به نظر می رسد،

حجم دولت خصوصا در حوزه اقتصاد،

در جهان آینده بسیار کوچک خواهد شد

و بسیاری از مسئولیت های اجرایی در بخش خدمات،

تولید و توزیع به عهده بخش خصوصی گذاشته خواهد شد

و دولت کنترل حوزه های مربوط به قدرت نرم (اطلاعات)

و قدرت سخت (ارتش و قوای قهریه) را

بر عهده خواهد گرفت

کامپیوترهای نسل آینده

بر اساس روندی که دیده می شود،

دارای احساس و هیجانان احساسی خواهند بود

نیویورک در کتاب خود تحت عنوان «نیروهایی که آینده ما را می سازند»^{۶۴} در خصوص دولت ایده آل نوشت: «بهترین دولت، دولتی است که عرصه حاکمیتش حداقل باشد»^{۶۵}. این نگاه به جهان پایه نظام های اقتصادی و سیاسی جهان سرمایه داری را ساخت. ساختار های جهان به گونه ای طراحی شد که حداکثری شدن حضور اقتصادی و سیاسی دولت منشاء بحران های جدی می شد. این رویکرد، منشاء خصوصی سازی وظایف دولت های قدیم شد. از نظر استوکس، دولت شیطانی است که عرصه حضور آن را باید محدود کرد این نگاه در خصوص حضور دولت در اقتصاد و بازار با تاکید بیشتری مطرح می شود. البته فراز و نشیب و تعارضات بسیاری در این رابطه مطرح شده است. همان دیدگاهی که بر عدم دخالت دولت تاکید می کند در بسیار از موارد دخالت و حمایت دولت را حتی در بازار و تجارت بخش خصوصی لازم می داند. با این نگاه که چگونه می توان مطمئن شد که غذایی که در رستوران برای ما می آورند آلوده نیست؟ چطور می توان از غیر خطر ساز بودن قطار و یا اتوبوس ها که از آن برای رفت و آمد استفاده می کنیم، مطمئن شد؟ چطور می توان از افزایش بی رویه قیمت ها در جامعه مطمئن شد، چطور می توان از ارائه خدمات سالم پزشکی اطمینان حاصل نمود؟ چطور می توان از بالا بودن ضریب ایمنی ساختمان سازی، مراکز تفریحی، خدمت الکترونیک اطمینان حاصل نمود و ... و اگر چنین اتفاقاتی افتاد، چه کسی مسئول پیگیری و مواجهه می باشد؟ این سؤال ها به نوعی دیدگاه دولت حداقلی را تعدیل نمود و به مرور دولت های رفاه را در نظام های سرمایه داری

وارد عرصه های نظارتی و کنترلی جدید نمود.

با این همه به نظر می رسد، حجم دولت خصوصا در حوزه اقتصاد، در جهان آینده بسیار کوچک خواهد شد و بسیاری از مسئولیت های اجرایی در بخش خدمات، تولید و توزیع به عهده بخش خصوصی گذاشته خواهد شد و دولت کنترل حوزه های مربوط به قدرت نرم: (اطلاعات) و قدرت سخت (ارتش و قوای قهریه) را بر عهده خواهد گرفت و از این طریق مدیریت نظارت، کنترل و ارزیابی جامعه ملی و بین المللی را در انحصار خود خواهد گرفت. از طرف دیگر اساسا مفهوم کار و شغل منحل خواهد شد و مشاغل انرژی بر، مثل مشاغل کشاورزی بطور کامل مکانیزه خواهد شد و یا اساسا روند طبیعی تولیدات کشاورزی عوض خواهد شد.

تغییر بنیادی دیگری در عرصه تجارت اتفاق می افتد که عبارت از انتقال تجارت اولیه داخل در جغرافیا بومی به تجارت اولیه در فضای مجازی^{۶۶} است. تجارت در این فضای جدید که تغییر بنیادین و اساسی در تاریخ تجارت محسوب می شود، اساسا تغییر در نوع معاملات و تبادلات است و عرصه جدید از تجارت و اقتصاد را به وجود آورده است که از آن به «تجارت الکترونیک» تعبیر می شود (کانینگهام^{۶۷}، ۱۹۹۹، تیمرز^{۶۸}، ۲۰۰۰ و جکسون^{۶۹}، ۲۰۰۳) در این فضای جدید تجربه ها و اطلاعات عمده ترین تبادلات خواهد بود و این فرایندی است رابطه ی با واسطه بین فروشنده و خریدار را به رابطه مستقیم تولید کننده^{۷۰} و استفاده کننده^{۷۱} تغییر خواهد داد. در واقع سرمایه داری کالایی مبتنی بر سیستم های بزرگ سرمایه داری تبدیل به سرمایه داری فرهنگی مبتنی بر تولید کننده بزرگ فرهنگی و بهره ورهای فردی می شود. بازیگران عرصه قدیم فروشگاه های بزرگ زنجیره ای و شرکت های بزرگ تولید کالا مثل فورد و سونی بودند اما بازیگران این عرصه دیزنی و پرتنزن^{۷۲} می باشند. پس از پنجاه سال روزگاری می رسد که همه اوقات زندگی ما مبتنی بر یک قرارداد تجاری است و به نوعی بابت لحظات آن باید پرداخت شود.

۱.۴ جهان واقعی: کار و شغل در جهان آینده

همان طور که گفته شد تحولات تکنولوژیک و پیشرفت حوزه تکنولوژی بیولوژیک و مهندسی ژنتیک مسیر تولید و کارگران تولید را تغییر می دهد. این تغییرات اقتصاد و تجارت جدیدی را وارد زندگی بشری خواهد کرد که محصول آن انسان جدید و جامعه جدید خواهد بود. جرمی ریفکین^{۷۳} (۲۰۰۳) که از متخصصان حوزه مطالعات آینده است نیاز آغاز قرن بیست و دوم را به گونه ای متفاوت تحلیل می کند. او معتقد است انسان های آن دوره به زندگی ما قرن بیست و یکمی ها به دیده تعجب نگاه می کنند. مردمی که هشت ساعت در روز، برای گذران زندگی کار می کردند و حال آنکه تکنولوژی همه کارهای انسانی را می تواند انجام دهد. جهان صد سال آینده، جهان کارخانه های تقریبا بدون کار ۷۰ انسانی خواهد بود. ما شاهد ۳۰ ساعت کار در هفته خواهیم بود، فرزندان ما شاهد ۲۵ ساعت کار در هفته و در نیمه قرن بیست و یکم فقط ۵ درصد جمعیت جهان نیازمند کار به معنای سنتی آن که عبارت از کار کشاورزی، کارخانه ای و یا خدمات صنعتی است، خواهند بود، این در واقع یک انقلاب محسوب می شود. این می تواند یک رنسانس در تاریخ زندگی بشر محسوب شود و می تواند به لحاظ فلسفه زندگی و معرفت های اخلاقی یک عصر تاریکی تلقی شود. باید دید انسان و جامعه انسانی منتهای کار، چه نوع انسان و چه نوع جامعه انسانی خواهد بود و یا اساسا ممکن است کار اوقات فراغت که بدون اضطراب و فشار محیط



کار است عرصه های دیگر از حیات کاری را فراهم کند.

جرمی ریفکین (۲۰۰۳) در پاسخ به این سؤال که با این نگاه آیا تقسیم بین‌المللی کار بر اساس کارگر ارزاتر معنا پیدا می‌کند. می‌گوید: انقلاب بزرگ اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتد که صنعت جدید ارتباطات، با منابع قدرت جدید گره بخوردند. او می‌گوید صنعت چاپ در سال ۱۴۵۰ اختراع شد، اما به عنوان یک ابزار مهم تجاری و اقتصادی مطرح نشد. ۲۰۰ سال بعد وقتی صنعت بخار پا به عرصه حیات گذاشت، تحول مهمی در همه صنایع و از جمله صنعت چاپ به وجود آمد. با این نگاه ظهور صنعت کامپیوتر در دو دهه اخیر و همراه شدن آن با صنعت ژنتیک بعنوان بستر انرژی تحول عظیمی در روند آینده خواهد داشت. به هم پیوستن ژنتیک و کامپیوتر یک تغییر بزرگ است و یک جهت گیری جدید را به همراه دارد. در واقع کامپیوتر عامل تقویت مطالعات و تغییرات ژنتیک هم می‌شود و همراه شدن این دو، قدرت مدیریت و تحولی عظیم در ژنتیک و اساسا تکنولوژی بیولوژیک^۶ به وجود خواهد آورد.

توسعه روز افزون ماشین و جایگزین شدن ماشین به جای نیروی کار انسان، چالش جدی امروز و جهان آینده است. آینده‌گراها معتقداند: جهان در آینده نه چندان دور شرایطی را خواهد داشت که همه کارهایی را که انسان انجام می‌دهد، ماشین نیز توانایی انجام آن را خواهد داشت و شرایط کار نیمه ماشین و نیمه انسان تبدیل به سلطه کامل ماشین خواهد شد. اینکه آیا ماشین از روح برخوردار خواهد بود یا خیر؟ به نظر می‌رسد ما به آن حس بسیار نزدیک هستیم، کامپیوترهای امروز توانایی ساختن شعر، رنگ کردن و در آینده نه چندان دور توانایی انتقال بو را خواهند داشت. جهان آینده جهانی خواهد بود که بین تصور یک چیز و تحقق آن فاصله طولانی وجود نخواهد داشت، دقیقا همان قدرت تصویری که در نیتیندا و بازی‌های کامپیوتر عمل می‌کند (دایسون، ۲۰۰۳)

نتیجه گیری:

پسا جهانی شدن: غلبه جهان مجازی بر جهان واقعی و شکل گیری پدیده «جنگ بدون جنگ»

از آنچه گفته شد، بخشی از ظرفیت‌ها و آسیب‌های جهان آینده در بستر دو جهانی شدن هله، خصوصا ابعاد مهم این روند، به صورت خلاصه مورد بحث قرار گرفت. در این روند به ظرفیت‌های معکوسی که نتایج غیر قابل انتظار بوجود می‌آورد، اشاره شد. یکی از این روندهای معکوس، پنهان شدن «جنگ» در شکل و قالب‌های «غیر جنگ» است. این روند در دوران پسا-جهانی شدن ابعاد پیچیده تری پیدا خواهد کرد.

پسا جهانی شدن^{۳۳} اشاره به دوره ای از تاریخ آینده جهان دارد که فرایند جهانی شدن به کمال خود نزدیک می‌شود و به نوعی ظهور فضای جدید جهانی شده اتفاق می‌افتد. جهانی که در آن تمایزات دو جهانی شدن، یعنی جهانی شدن جهان واقعی و جهانی شدن جهان مجازی به صورت مشخص قابل رویت خواهد بود. جهت‌گیری‌های گسترده و فراگیر ظرفیتهای جهان مجازی، علائم جدی از غلبه جهان مجازی بر جهان واقعی را به نمایش می‌گذارد. مهمترین عاملی که منشاء اقتدار جهان مجازی می‌شود، گم شدن عامل زمان و مکان و به تبع تسهیل در دسترسی به منابع تمدنی است. در این روند، جهان مجازی یا جهان دوم به مرور ظرفیت‌های جهان اول را کم رنگ می‌کند. با انتقال به جهان مجازی به نوعی



تجارت، بانکداری، آموزش و پرورش، روزنامه و مطبوعات (نوواک^{۳۴}، ۲۰۰۱) روابط پستی و حتی بسیاری از مسافرت‌های کاری کم رنگ می‌شود، کشاورزی، صنعت و خدمات نیز اشکال دگر گونه پیدا خواهند کرد و یا به نوعی به پایان دوره سنتی خود می‌رسند و این روند منعکس کننده وسیعتر شدن جهان مجازی نسبت به جهان واقعی است.

مهمترین آسیب جهان آینده در جهان مجازی ظهور پیدا خواهد کرد و این آسیب جنگ‌های نظامی هسته‌ای کشتار جمعی نیست، بلکه ظهور جنگ‌های جدیدی است که در جهان مجازی صورت می‌گیرد، خصیصه جنگ‌های مجازی آینده «جنگ بدون جنگ» و «خشونت بدون خشونت» است. روندهایی است که از قدرت تخریب فراگیر برخوردار است ولی مصدومین آن در مواجهه‌های اولیه احساس جنگ نمی‌کنند. این جنگی است که از ظاهری آرام، زیبا، دلربا برخوردار است ولی به مرور فرد را از درون می‌پوساند و پیوندهای فرد را با سرزمین، فرهنگ، تاریخ و تمدن خود کاهش می‌دهد. جنگ بدون جنگ، جنگ اطلاعات، جنگ عصر حرفه‌ای شدن و تخصصی شدن رفتار سیاسی و اقتصادی قدرتمندان این عرصه است. جنگ بدون جنگ، اشاره به فضایی دارد که منجر به انقراض ملت و دولت‌های ضعیف می‌شود، منتهی ابزار آن «قدرت سخت^{۳۵}» و «جنگ قهری و نظامی» نیست. این جنگ بی‌ارتباط با مفهوم «خشونت نمادین^{۳۶}» بودیو^{۳۶} (۱۹۷۶، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹) نیست. خشونت نمادین در مرحله «رمز گشایی^{۳۷}»، تولید خشونت و تخریب می‌کند. و جنگ

جهان مجازی، جنگ نمادها و نشانه هاست. جنگ بدون جنگه روشی است که از آن می توان تعبیر به «جنگ بدون خطر» برای جنگ افروزان نیز کرد. جنگی است که به دلیل طبیعت نرم، زیبا و آرام، عکس العمل تخریبی تولید نمی کند، فلذا بر خلاف جنگ های متعارف، جنگ دو سویه یا چند سویه نیست بلکه جنگ یک سویه است.

خصیصه دیگر جنگ بدون جنگ، اسارت های جدید است. اسارت انسان در پنجه ماشین های تیز هوش، نمود برجسته این روندهاست. روندی که تولیدات جدید هالیوود در قالب «ماتریکس»^{۸۶} یا فضای احاطه شده» و یا جهان جادویی و خیالی هری پاتر، اسارت انسان را در دست روایت ها و یا انسان های سحرآمیز به نمایش می گذارد. فضایی است که از طبیعت «جبرهای انتخاب شده» برخوردار است.

با نگاه خوش بینانه و با نگاه عمیق به سنت تاریخ گذشته و جهت گیری های جهان معاصر، این روند تولید کننده پارادوکس های معناداری است که بازتاب نهایی آن «بازگشت» به انسانیت طبیعی و اخلاق الهی و رجعت به نیکی هاست. شواهد بسیاری نشانگر تغییر چرخه تاریخ و ظهور نوعی «خستگی»^{۸۷} از دوره های باطل جهان معاصر است که در بخش هایی از جامعه انسانی ظهور پیدا کرده است. این چرخش به صورت «انفجار انتقال»، در آینده ی نه چندان دور ظهور پیدا خواهد کرد. به اوج رسیدن فاصله مردم با نخبگان و فرهنگ توده وار با فرهنگ نخبگان سیاسی و اقتصادی، بستر ظهور «فرهنگ مخالفت»^{۸۸} با روندهای ساختگی قدرت های بزرگ و تولیدات اقتصادی سرمایه داران بزرگ را فراهم آورده است. فرهنگ مخالفت در درون خود «فرهنگ موافقت گراهایی»^{۸۹} را به وجود آورده که شعار اصلی آنها بازگشت است. بازگشت به طبیعت سالم، بازگشت به انسانیت، بازگشت به عدالت و بازگشت به حکمت و الهیت.

آنچه گفته شد بر مبنای نگاه به گذشته و دانش امروز ما نسبت به ظرفیت های صنعت و تکنولوژی و علم و دانش بشر بود، نادیده ها و ناشنیده های بسیاری در جهان آینده ظهور خواهد کرد که ابعاد مهم تری از آن جهان آینده را خواهد ساخت. در پیش بینی های صد و یا دویست سال پیش برداشتی حتی اجمالی در مورد رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت وجود نداشت. امروز با تکیه بر صنایع ارتباطات جمعی و توسعه علم در عرصه های مختلف به آینده نگاه می کنیم و باید دید محصولات فکری بشر در صد سال دیگر چه خواهد بود و چه تحلیلی بعد از اتفاقات صد سال و هزار سال آینده می توان در مورد جهان ارائه نمود.

معرفی چند سایت اینترنتی جهت مطالعه دیدگاه های آینده نگرها:

- <http://www.wnscience.com/s/future>
 - <http://www.nychinatown.com/eud/future.htm>
 - <http://www.futuristsnetwork.org.uk/home.shtml/>
 - <http://www.futurism.org.uk/>
 - [http://www.profuturists.com- Association of Professional Futurists](http://www.profuturists.com-AssociationofProfessionalFuturists)
 - <http://www.patrickdixon.co.uk/futurists.htm>
 - <http://www.globalchange.com/clonech.htm>
 - http://www.passig.com/pic/KurzweilAI_net.htm
 - [http://horizon.unc.edu/projects/ifn/ifn.asp# Top](http://horizon.unc.edu/projects/ifn/ifn.asp#Top)
- International Futurists Network Participants

منابع فارسی:

اولسون، د. (۱۳۷۷) رسانه ها و نمادها: صورتهای بیان، ارتباط و آموزش، ترجمه محمود مهاجر،

تهران، انتشارات سروش.
توسلی، غ. (۱۳۶۹) نظریه های جامعه شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

علی، س. ر. (۱۳۸۲) دو جهانی شدن ها: جامعه جهانی اضطراب، نلمه علوم اجتماعی، شماره ۱، بهار

۱۳۸۲

محنیان رادم. (۱۳۸۰) ارتباط شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، چاپ چهارم،

تهران، انتشارات سروش.

هایدگر، م، آیدی، د. د. هکتینگ، ی، کوون، ت. و مکنزی، د (۱۳۷۷) فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور

اعتماد تهران، نشر مرکز.

منابع انگلیسی:

Ameli, S. R. (2002) Glocal Space: Power and Powerlessness of Cultures, Presented in International Conference on "Rhetoric, Globalization and Culture, Organized by LOGO and University of Salamanca, Spain: Salamanca, 9-14 of December 2002.

Amor, D. (2002) How Pervasive Computing Services will Change the World: Internet Future Strategies, New Jersey, Upper Saddle River.

Arnmesto. F. F. (3002) <http://news.bbc.co.uk/hi/english/static/specialreport/1999/12/99/backtothefuture/front/frontfelipearnmesto.stm>

Bello, W. (2002) Deglobalization: Ideas for a New World Economy, Zed Book, London.

Bourdieu, P. (1979) Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste, Translated by Richard Nice, London and New York, Routledge.

Bourdieu, P. (1996) The State Nobility, Translated by Lauretta C. Clough, Cambridge, Polity Press.

Bourdieu, P. et al. (1999) The Weight of the World: Social Suffering in Contemporary Society, Cambridge, Translated by Priscilla Parkhurst Ferguson et al Polity Press.

Charpentier, J. C. (2002) The triplet "molecular processes-product-process" engineering: the future of chemical engineering?, in Chemical Engineering Science, Vol. 57(22), pp. 5667-4690.

Cleaver, T. (1997) Understanding the World Economy: Global Issues Shaping the Future, London and New York, Routledge.

Cowen, N. (2001) Global History: A Short Overview, Cambridge, Polity Press.

Cunningham, Peter (1999) Electronic Business Revolution: Opportunities and Challenges in the 12st Century, Berlin and New York, Springel.

Dirlik, A. (2002) Rethinking Colonialism: Globalization, Postcolonialism, And The Nation, in Interventions: International Journal of Postcolonial Studies, Vol. 4(3), pp. 428-448.

Duvall, T. (2003) The New Feudalism: Globalization, the Market, and the Great Chain of Consumption, in New Political Science, Vol. 25(1), pp. 81-97.

Dyson, F. (2003) <http://news.bbc.co.uk/hi/english/static/specialreport/1999/12/99/backtothefuture/front/frontfreeman-dyson.stm>

Dyson, E. (2003) <http://news.bbc.co.uk/hi/english/static/specialreport/1999/12/99/backtothefuture/front/frontesther-dyson.stm>

Fukuyama, F. (2003) <http://news.bbc.co.uk/hi/english/static/specialreport/1999/12/99/backtothefuture/front/fronfrancis-fukuyama.stm>

Giddens, A. (1989) Sociology, Cambridge, Polity Press.

Giddens, A. (1999) Runaway World: How Globalization is Reshaping our lives, London, Profile Books.

Giddens, A. (2001) Sociology: 4* Edition, Cambridge, Polity Press

Giddens, A. (2003) <http://news.bbc.co.uk/hi/english/static/specialreport/1999/12/99/backtothefuture/anthony-giddens.stm/>

Gill, S. (2002) Constitutionalizing Inequality and the Clash

- 21- Biotechnology
- 22- Newell
- 23- Tissue Engineering
- 24- Charpentier
- 25- Lee Silver
- 26- to clone identical copies
- 27- Inner Tissue Culture
- 28- Pervasive Computing
- 29- Rick Belluzo
- 30- Hewlett-Packard
- 31- Mark Weiser
- 32- www.ubiq.com/weiser/
- 33- Cellular
- 34- Matthewson,
- 35- Future Communications
- 36- Ian Pearson - Futurologist
- 37- Kevin Warwick
- 38- Dirlik
- 39- Ameli
- 40- Reverse Processes
- 41- Duvall
- 42- Francis Fukuyama - Political Scientist
- 43- Bipolar
- 44- Unipolar
- 45- Totalism
- 46- Total War
- 47- Eurocentrism
- 48- Americanism
- 49- Wallerstein
- 50- Tobin and Bidwell
- 51- Nano-Technology
- 52- Huntington
- 53- Oswald Spengler
- 54- Arnold Toynbee
- 55- Pitrim Sorokin
- 56- Cowen
- 57- Dello
- 58- Jay Mandle
- 59- James Stokes
- 60- The Forces That Shape Our Future
- 61- That government is best which governs least
- 62- Commerce in Cyberspace
- 63- Cunningham
- 64- Timmers
- 65- Jackson
- 66- Supplier
- 67- User
- 68- Disney and Bertelsman
- 69- Jeremy Rifkin
- 70- Near work-less factories
- 71- Biotech Century
- 72- Post-globalization
- 73- Novak
- 74- Hard Power
- 75- Symbolic Violence
- 76- Bourdieu
- 77- Decoding
- 78- Matrix
- 79- Frustration
- 80- Dissident Culture
- 81- Conformists Culture

- of Globalizations, in *International Studies Review*, Vol. 4(2), pp. 47-65.
- Hirst, P.Q.; Thompson G. (2002) *The Future of Globalization*, Vol. 73(3), pp.247-562
- Huntington, S. P. (1996) *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, New York, Simon & Schuster.
- Jackson, P. J. (2003) *E-Business Fundamentals: Meaning Organisations in Electronic Age*, New York, Routledge.
- Kumar, K. (2003) *Aspects of the Western Utopian Tradition*, in *History of the Human Sciences*, Vol. 16(1), pp. 63-77.
- Mandle, J. R. (2003) *Globalization and the Poor*, Cambridge, Cambridge Press.
- Matthewson, J. A. (2002) *e-Business: a jargon-free practical guide*, Oxford, Butterworth Heinemann.
- McBeath G.; Webb S. A. (2000) *ON THE NATURE OF FUTURE WORLDS? - CONSIDERATIONS OF VIRTUALITY AND UTOPIAS*, in *Information, Communication and Society*, Vol. 3(1), pp. 1-16.
- Newell, P. (2003) *Globalization and the Governance of Biotechnology*, in *Global Environmental Politics*, Vol. 3(2), pp. 56-71.
- Novak, A. (2001) *Where next? Is there a future for the mail medium in the digital age?*, in *Interactive Marketing*, Vol. 2(3), pp. 247-250.
- Pearson, I. (2003) http://news.bbc.co.uk/1/hi/english/static/special_report/1999/12/99/back_to_the_future/front/front_ian_pearson.stm
- Perry B.; Harding A. (2002) *The future of urban sociology: report of joint sessions of the British and American Sociological Associations*, in *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 26(4), pp. 844-853.
- Rifkin, J. (2003) http://news.bbc.co.uk/1/hi/english/static/special_report/1999/12/99/back_to_the_future/front/front_jeremy_rifkin.stm/
- Silver, L. (2003) http://news.bbc.co.uk/1/hi/english/static/special_report/1999/12/99/back_to_the_future/front/front_lee_silver.stm/
- Stokes, J. (1945) *The forces that shape our future*, New York, New York University Press.
- Thomson J.W. (2002) *The Future of Globalization*, in *Business and Society Review*, Vol. 107(4), pp. 423-431.
- Timmers, P. (2000) *Electronic Commerce: Strategies and Models for Business-to-Business Trading*, New York and Berlin, Springer.
- Tobin, H. J. and Bidwell, P. W. (1940) *Mobilizing Civilian America*, New York, Council on Foreign Relations.
- Wallerstein, I. (1984) *The politics of the World-Economy*, Cambridge, Cambridge University Press.

پا نوشت ها:

1- Dual Globalizations and Future of the World

۲- به سایت‌های اینترنتی معرفی شده در پایان مقاله مراجعه شود.

- 3- Live in the future and see tomorrow as history
- 4- Prepared for change
- 5- Scenario planning for uncertainty
- 6- Seeing over the horizon
- 7- Felipe Fernandez Arnesto - Historian
- 8- Multidisciplinarity
- 9- Interdisciplinarity
- 10- Perry and Harding
- 11- Thomson
- 12- Hirst and Thompson
- 13- Gill
- 14- Populism
- 15- Virtual World
- 16- Real World
- 17- Kumar
- 18- Virtual Reality
- 19- McBeath and Webb
- 20- Freeman Dyson